

## انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت‌های عربی منطقه

علی آدمی<sup>۱</sup>

سید مهدی حبیبی<sup>۲</sup>

رامین بخشی تلیابی<sup>۳</sup>

### چکیده

در این پژوهش تلاش گردیده تا با استفاده از نظریه «نئوکلاسیک‌ها» رویکرد دولت‌های عربی منطقه خاورمیانه در قبال انقلاب اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. سوال اصلی این است که وقوع انقلاب اسلامی به عنوان منشاء و منبع بیداری اسلامی چه تأثیری بر مواضع و رویکرد‌های کشورهای عرب منطقه در قبال سیاست خارجی ایران داشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ ارائه شده چنین است که برداشت‌های منفی و تهاجمی رهبران کشورهای عربی منطقه از اصول و مبانی انقلاب اسلامی ایران، موجب رویکرد تهاجمی و خصمانه این کشورها نسبت به جمهوری اسلامی ایران گردیده و با همکاری غرب، پروژه ایران هراسی را در این منطقه رقم زده‌اند. همچنین تلاش این کشورها در راستای مهار ایران، نشان دهنده نگرانی دولت‌های محافظه کار و غیر دموکراتیک عربی منطقه از احتمال تکرار وقوع انقلاب اسلامی در کشورهای خود می‌باشد. امری که موج جدید بیداری اسلامی به آن عینیت تازه‌ای بخشیده است.

**واژگان کلیدی:** انقلاب، بیداری اسلامی، دولت‌ها عربی، سیاست خارجی ج.ا.ا، رئالیسم تدافعی، رئالیسم تهاجمی.

**Email:** miAliada2002@yahoo.com  
**Email:** Smn.mehdihabibi@gmail.com  
**Email:** Bakhshirmin14@yahoo.com

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۲۰

۱- استادیار دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

## مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خروج این کشور از اردوگاه غرب تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه ای بویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بر جای گذاشت است. همچنین ماهیت اسلامی این انقلاب بازتاب‌های گسترده آن، تأثیر عمیقی بر مسلمانان جهان اسلام بویژه مردم شیعی حوزه خلیج فارس داشته است و این تأثیر که در قالب بیداری اسلامی مطرح شده به منبع اساسی تهدید برای دولت‌های محافظه کار و غیر دموکراتیک عربی تبدیل شده است. به همین جهت کشورهای منطقه به اتخاذ مواضع ضد ایرانی خود افزوده و اقدام به مقابله با سیاست های جمهوری اسلامی ایران کرده اند.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن بررسی مواضع و رویکردهای رهبران و نخبگان سیاسی کشورهای عربی منطقه حوزه خلیج فارس نسبت به جمهوری اسلامی ایران و بررسی برخی از سیاست‌های اتخاذ شده از سوی ایران که البته منبعت از مبانی و اصول انقلاب اسلامی است، به بررسی علل این رویکرد اعراب بپردازد. در این زمینه همچنین نشان داده خواهد شد، علی رغم این که جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی با استمداد از آرمان‌های انقلاب، مجدانه به دنبال ایجاد ثبات در منطقه و برقراری روابط دوستانه با کشورهای مسلمان منطقه بوده است و بارها این خواست خود را ابراز داشته است اما شک و تردید و بی اعتمادی از زمان وقوع انقلاب اسلامی، هم چنان بر رفتار کشورهای منطقه سایه افکنده است.

اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که نشان می‌دهد ریشه های بی اعتمادی و روابط خصمانه و تهاجمی کشورهای عرب منطقه با جمهوری اسلامی ایران از یک سو ناشی از درک و برداشت تهاجمی و ایدئولوژیک این کشورها از اصول و مبانی انقلاب اسلامی ایران است و از سوی دیگر به ماهیت غیر دموکراتیک و محافظه کار این رژیم‌ها باز می‌گردد. در واقع آنها نگران تکرار وقوع انقلاب ایران در کشورهای تحت سلطه خود می‌باشند. در این نوشتار تلاش گردیده با بهره‌گیری از نظریه نئوکلاسیک‌ها (رتالیسم تدافعی و رتالیسم تهاجمی) مواضع کشورهای عربی به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس مورد امعان نظر و مذاقه قرار داده شود. از آن جا که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در حوزه فوری امنیتی ما قرار دارند برداشت درست

از عکس‌العمل‌ها و مواضع آنها نسبت به انقلاب اسلامی، باعث پیگیری سیاست خارجی هوشمندانه‌تری از جانب ما خواهد شد.

## ۱. رویکرد نظری

در این پژوهش از رویکرد نئوکلاسیک‌ها که بر اساس تقسیم‌بندی جک اسنایدر شامل «رنالیسم تهاجمی»<sup>۱</sup> و «رنالیسم تدافعی»<sup>۲</sup> است استفاده می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۲۹). بر مبنای نظریه رنالیسم تهاجمی، کشورها در عرصه سیاست خارجی در پی افزایش قدرت نسبی خود در صحنه بین‌المللی هستند این نظریه بیان می‌کند که، این ماهیت «آنارشیک»<sup>۳</sup> نظام بین‌الملل است که سبب می‌شود دولت‌ها همواره به دنبال بیشینه‌سازی قدرت نسبی خود باشند و در این روند سعی می‌کنند قدرت رقبایشان را کاهش دهند.

به بیان مرشایمر: سه دلیل در نظام به هم پیوسته‌ی بین‌الملل وجود دارد که باعث شده دولت‌ها نسبت به هم هراس داشته باشند: ۱- فقدان یک اقتدار مرکزی که بالای سر دولت‌ها قرار گرفته و آنها را در مقابل یکدیگر حمایت کند. ۲- این واقعیت که دولت‌ها اغلب دارای توانایی و ظرفیت نظامی تهاجمی هستند. ۳- این واقعیت که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از نیت هم آگاه باشند. در واقع، از دیدگاه او، در نظام بین‌المللی که هیچ اقتدار ما فوقی وجود نداشته و کاملاً وضعیت آنارشیک دارد، همه‌ی دولت‌ها در حالت هراس از تهدید دیگر دولت‌ها قرار داشته و بیم آن دارند که بقاء آنها در معرض خطر قرار گیرد. همین دلیل در وضعیت تهاجم بالقوه علیه یکدیگر قرار دارند. لذا از دید او «میل و خواست بقا موجب پدید آمدن رفتار تهاجمی از سوی دولت‌ها می‌شود» (حسین سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۵). در مقابل سیاست خارجی تهاجمی، سیاست خارجی تدافعی قرار دارد که صرفاً در پی افزایش «امنیت نسبی»<sup>۴</sup> خود در عرصه بین‌المللی است. به عبارت دیگر در سیاست خارجی تهاجمی دولت‌ها خواهان افزایش امنیت خود از راه کاهش عامدانه امنیت سایر دولت‌ها هستند در حالی که در سیاست خارجی تدافعی دولت‌ها خواهان دست‌یابی به امنیت به بهای کاهش امنیت دیگران نیستند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

<sup>1</sup> Offensive Realism

<sup>2</sup> Realism Defensive

<sup>3</sup> Anarchic

<sup>4</sup> Relative Security

نظریه رئالیسم تهاجمی بر این اعتقاد است که ساختار غیر متمرکز و ماهیت بی نظم نظام بین الملل، جو بی اعتمادی و خود یاری را موجب می شود و شرایطی را فراهم می کند که به معما یا معضل امنیت<sup>۱</sup> می انجامد. در حقیقت در وضعیت آنارشی و معمای امنیت، کشورها، حرکات و اقدامات یکدیگر را به شدت تحت نظر دارند و نسبت به آن واکنش نشان می دهند، به گونه ای که کوچکترین تلاش و فعالیت یک کشور برای افزایش قدرت با عکس العمل دفاعی دیگران مواجه می شود. کانون و ثقل معمای امنیت، فقدان درک و شناخت کامل از اهداف و انگیزه های واقعی کشورها از یک سو و عدم امکان تمایز بین قدرت تدافعی و تهاجمی از سوی دیگر است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۶۴).

## ۲. سیاست خارجی برگرفته از اصول و مبانی انقلاب اسلامی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه ی یکسری اصول و مبانی بنا شده است که این اصول و مبانی راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی قرار می گیرند. مهمترین اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: نفی سلطه گری و سلطه پذیری؛ حمایت از مستضعفان و جنبش های آزادی بخش؛ حمایت و دفاع از مسلمانان؛ عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل.

این اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده موضع گیری های خاصی است و با توجه به اصول حمایت از مستضعفان و جنبش های آزادی بخش و همین طور حمایت و دفاع از مسلمانان به عنوان اصول و مبانی انقلاب اسلامی، به دنبال دفاع از هویت و تمامیت ارضی و ارزشی خود و همین طور سایر کشورهای اسلامی است و این حمایت و سیاست ها به هیچ رو بر بنیاد تهاجم و توسعه طلبی نسبت به کشورهای منطقه قرار نگرفته است. اما دولت های منطقه همواره مواضع خصمانه ای را در قبال ایران اتخاذ نموده اند که این مواضع بیشتر به دلیل برداشت های غیر صحیح از اصول و مبانی سیاست خارجی ایران می باشد.

<sup>5</sup> Security Dilemma

### ۳. رویکرد خصمانه دولت‌های عربی به اصول و مبانی انقلاب اسلامی

اصول و مبانی انقلاب اسلامی که ذکر شد، بنابه دلایلی، برداشت‌های نادرست رؤسای کشورهای عربی منطقه بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس را به دنبال داشته است. عدم شناخت و بد فهمی دولت‌های عربی منطقه از اصول و مبانی انقلاب اسلامی از یک سو و ماهیت غیر دموکراتیک و محافظه کار این کشورها، موجب رویکرد تهاجمی و خصمانه نسبت به انقلاب اسلامی و سیاست خارجی منبعث از آن گردیده است.

از جمله سیاست‌هایی که بر گرفته از اصول و مبانی انقلاب اسلامی می‌باشد و سیاست خارجی در راستای اجرایی کردن آن اتخاذ شده است می‌توان به تلاش‌ها در زمینه برقراری اتحاد اسلامی (امری که از آن تحت عنوان هلال شیعی یاد می‌شود)، استکبار ستیزی، مقابله با توسعه طلبی آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان منطقه بویژه مردم فلسطین و لبنان، تلاش در جهت بازسازی عراق و برگرداندن ثبات به منطقه، و همین طور تلاش در جهت برطرف کردن دغدغه‌های امنیتی کشور اشاره کرد.

در واقع ایران به دلیل معضل بی ثباتی منطقه، حضور گسترده آمریکا در سرتاسر مرزهای خود، نبود وحدت میان مسلمانان، و همین طور خطر اسرائیل، تلاش دارد حوزه امنیتی خود را بسط دهد و اصول و مبانی بر حق انقلاب اسلامی را در منطقه دنبال کند امری که به اشتباه از سوی دولت‌های عرب منطقه توسعه طلبانه و تهاجمی انگاشته می‌شود.

از جمله سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که باعث حساس شدن و نگرانی کشورهای عربی منطقه و به خصوص هم پیمان استراتژیکشان، ایالات متحده آمریکا، شده است می‌توان به جهت‌گیری نسبت به پدیده بیداری اسلامی و خیزش‌های مردمی منطقه، استکبار ستیزی و مقابله با زیاده خواهی‌های آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان لبنان و فلسطین، و همچنین گفتارها و رفتارهای ایدئولوژیک ایران در عراق اشاره کرد. امری که حاکی از آن دانسته می‌شود که ایران به دنبال افزایش نقش و «قدرت نسبی»<sup>۱</sup> خود در منطقه خاورمیانه است این برداشت سبب شده است که کشورهای عرب منطقه، سیاست خارجی ایران را "تهاجمی"<sup>۲</sup> و توسعه طلبانه بدانند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

<sup>۱</sup> Relative Power

<sup>۲</sup> Offensive

این کشورها برای جلوگیری کردن از اقدامات جمهوری اسلامی ایران سعی دارند با حمایت از رویکرد تهاجمی امریکا و اسرائیل دغدغه‌های امنیتی خود نسبت به ایران را بر طرف کنند. تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران جهت شفاف سازی و تدافعی نشان دادن سیاست‌های خود، به دو علت نتوانسته است نگرانی‌های امنیتی این کشورها را بر طرف سازد. یکی به علت بد فهمی و برداشت تهاجمی از اصول و مبانی انقلاب اسلامی و دیگری به ماهیت محافظه کار و ضد دموکراتیک رژیم‌های کشورهای منطقه، مربوط می‌شود که از سال‌های میانه دهه ۱۹۸۰ تا کنون در شرایط اقتدار گرایی سیاسی قرار داشته اند. (Knickmeyer, 2010:6)

در مجموع این عوامل موجب شده است که انتخاب عقلانی برای کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه تلاش در جهت «بازدارندگی»<sup>۱</sup> و «مهارت»<sup>۲</sup> نقش و نفوذ ایران باشد موضوعی که به خوبی مؤید علل حساسیت این کشورها، نسبت به رفتار ایران در تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا (بیداری اسلامی) می‌باشد.

#### ۴. جنبش بیداری اسلامی و مواضع دولت‌های عربی نسبت به افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه

تحولاتی که در سال ۲۰۱۱ در کشورهای خاورمیانه آغاز شد، نمادی از انقلاب‌های اجتماعی است. انقلاب‌هایی که بر اساس گفتمان دینی و نشانه‌های اسلام گرایی شکل گرفته است. این امر آشکارا انعکاس انقلاب اسلامی ایران در خاورمیانه تلقی می‌گردد (متقی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

شورش‌های مردمی در جهان عرب، کشورهای خاورمیانه را مجبور به ارزیابی مجدد درباره حکومت و ساختار دولت کرده است به زعم بسیاری از تحلیل گران جنبش‌های اخیر خاورمیانه با انقلاب ۱۳۵۷ ایران در ارتباط است و این حرکت‌ها را الهام گرفته از انقلاب ایران می‌دانند (Dareieni, 2011:12) در واقع بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متاثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر امروز در قالب یک جنبش اجتماعی و سازمانی ظاهر شده است. بی‌تردید انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده است. این جنبش‌ها تحت تاثیر انقلاب ایران و ایدئولوژی اسلامی ایران

<sup>3</sup> Deterrence

<sup>4</sup> Containment

می‌تواند به افزایش حاکمیت هویت‌های مذهبی در کشورهای خاورمیانه و نفوذ بیشتر ایران منجر شود (Nordland and Kirkpatrick, 2011:8).

از این رو بازتاب‌های انقلاب اسلامی امروزه بیش از گذشته نظام منطقه‌ای خاورمیانه را تحت تاثیر قرار داده است. بسیاری از تحلیلگران در بررسی تحولات اخیر منطقه و بروز انقلاب‌های مردمی و ضد استبدادی در کشورهای عربی متحد غرب، تقویت موضع جمهوری اسلامی ایران را در برابر رقبای منطقه‌ای خود، به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای این تحولات قلمداد می‌کنند، تحولی که متاثر از ساختار معنایی منبعث از انقلاب اسلامی و تعاملی است که این ساختار با جنبش‌های دنیای عرب ایجاد کرده است (عباسی اشلقی، ۱۳۹۱: ۲۵).

نظام سلطه با محوریت آمریکا و سران غیر مردمی کشورهای منطقه در تلاش هستند با مطرح کردن مسائل غیر واقعی ایران را متهم به دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه کنند و با برخورد دوگانه با این خیزش‌ها ضمن کنترل و ناکارآمد نمودن حرکت عمیق دینی- مردمی ملت‌های منطقه زمینه مصادره به مطلوب این خیزش‌ها را به نفع خود فراهم کنند. (کریم آبادی، ۱۳۹۰: ۲۵). در واقع رهبران سیاسی و ساختار حکومتی کشورهای عرب منطقه نظیر مصر، عربستان، بحرین، امارات متحده عربی تداوم قدرت خود را مرهون سر کوب و اقتدار گرایی قرار داده‌اند (متقی، ۱۳۹۰: ۱۷۱) این امر یکی از عوامل اصلی پدیده بیداری اسلامی و اعتراضات مردمی محسوب می‌شود. «فرید زکریا» در تبیین چنین شرایطی، حکام عرب را عامل اصلی چنین مخاطراتی در فضای خاور میانه می‌داند، وی بر این اعتقاد است که: «حکام عرب خاورمیانه، اقتدارگرا، فاسد و سرکوب‌گر هستند. آنان تمایلی به برگزاری انتخابات ندارند. انتخابات در این کشورها زمینه شکل‌گیری بحران سیاسی را به وجود می‌آورد. احزاب سیاسی نیز نگاه تحقیر آمیزی نسبت به حکومت‌ها دارند. زیرا دوجموعه یاد شده در تعارض با یکدیگرند» (زکریا، ۱۳۸۷: ۱۷۴).

در واقع با وقوع بیداری اسلامی در منطقه تنش بین ایران و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تشدید شده است در پی این تحولات نفوذ ایران به طور بالقوه‌ای گسترش پیدا کرده است به عنوان مثال در مصر پس از سقوط حسنی مبارک، روابط مصر با تهران در حال بهبود است و

همچنین عبور دو کشتی جنگی ایران از کانال سوئز برای رسیدن به سوریه برای کشورهای عربی سواحل خلیج فارس نگران کننده است (Lynch, 2011:4).

تحولات جهان عرب ضمن اینکه نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش داده است به همان اندازه بر حساسیت کشورهای منطقه از اهداف حضور ایران در این تحولات افزوده است. به طور کلی در تحولات اخیر کشورهای کویت و اردن منافع خود را در همراهی با محور عربستان و آمریکا یافتند و ایران را اماج اتهامات بی اساس خود قرار دادند بحرین و یمن نیز که در مرکز تحولات اخیر قرار دارند از نفوذ ایران در میان شیعیان کشورشان در هراس هستند البته در این میان نباید تلاش بسیاری از دولت‌های سکولار در کشورهای مختلف خاورمیانه برای زدودن دین را از نظر دور داشت. که البته نتیجه مطلوب را به دست نداده است و حتی در مقام عکس- العمل به شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و گروه‌های بنیادگرا در منطقه نیز انجامیده است (Marty, 1992:38). به منظور توضیح بیشتر این موضوع، به بررسی موانع برخی کشورهای عربی می‌پردازیم.

#### ۴.۱. مواضع دولت بحرین

با توجه به این که بحرین در حوزه فوری سیاسی- امنیتی ایران در منطقه خلیج فارس قرار دارد، علی‌رغم حضور نیروهای سعودی در این کشور، این امر منجر به اتخاذ سیاست تهاجمی از سوی جمهوری اسلامی ایران نشده است و ایران کماکان با الهام‌گیری از اصول و مبانی انقلاب اسلامی بر ضرورت حفظ ثبات و امنیت در منطقه خلیج فارس تأکید دارد. در حالی که ماجرا جویی‌های سعودی، ضمن این که به نیروهای بیگانه بهانه لازم را می‌دهد که با استدلال اتصال امنیت منطقه به امنیت جهانی (امنیت انرژی) به حضور گسترده و نظامی در منطقه تداوم دهند، منجر به گسترش نظامی‌گری و بی‌ثباتی در منطقه نیز شده است. در این راستا علی‌رغم موضع تدافعی ایران، پروژه ایران هراسی تشدید شده است و محافل غربی و صهیونیستی به طور فرصت طلبانه‌ای تلاش دارند خیزش‌های مردمی در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا را ناشی از دخالت‌های مستقیم ایران جلوه دهند و از این طریق با توسل مجدد به پروژه ایران هراسی و دامن زدن به جنگ مذهبی در منطقه (با توجه به تحولات منطقه و رویارویی ایران و عربستان



در قبال بحرین) سیاست‌های ایران را تهدید زا و تهاجمی نشان دهند(اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰).

بحرین از ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ صحنه اعتراضات مردمی علیه نظام حاکم و اعمال گر تبعیض مذهبی علیه اکثریت شیعه است و در این میان خاندان حاکم با فراخواندن نیروهای کمکی از عربستان و امارات، سعی در سرکوب اعتراضات دارند. در بحرین نا آرامی‌ها الهام گرفته از موج تغییرات انقلابی فراگیر در سراسر منطقه می باشد این کشور با کمک نیروهای عربستان به سرکوب معترضان می‌پردازند در این راستا کویت قطر نیز کشتی‌های نیروهای دریای و تعدادی از سربازان خود را به بحرین فرستادند این اقدامات منعکس کننده عصبانیت مردم در رابطه با فشارهای اجتماعی از ناحیه رژیم پادشاهی و تشدید ترس از نفوذ ایران در میان شیعیان بحرین می‌باشد (Hill and Nonnman, 2011:9). با وجود دخالت مستقیم کشورهای عربی در بحرین، شورای همکاری خلیج فارس ایران را به دخالت در امور منطقه و نقض قوانین بین المللی و اصول حسن همجواری متهم می کنند. عربستان و امارات دو رکن اصلی شورا نقش اساسی را در سرکوب قیام مردم بحرین و متهم کردن ایران بازی می‌کنند. حاکمان سنی کشورهای حوزه خلیج فارس نمی‌خواهند یک حکومت شیعه در بحرین روی کار بیایند. حاکمیت شیعیان در بحرین برای آنها به معنای فروپاشی هیئت خلیجی این کشور هاست از این رو رویدادهای بحرین برای هر کدام از دولت‌های عرب خلیج فارس به ویژه برای عربستان و امارات بسیار تعیین کننده و راهبردی است. پیروزی شیعیان در بحرین به معنای نابودی هویت واحد آنان و به معنای فروپاشی نظام پادشاهی در یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس و تزریق دموکراسی و نظام دموکراتیک به اجتماعی که نظام‌های پادشاهی بر آنها حکومت می‌کند می‌باشد(صالحی، ۱۳۹۰: ۱۶۶-۱۶۴).

اتحاد نزدیک‌تر بین کشورهای خلیج فارس بخشی از استراتژی گسترده‌تر برای جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه است و اخیراً تلاش این کشورها برای ایجاد یکپارچگی اقتصادی، سیاسی و نظامی و الحاق بحرین به عربستان همگی در راستای مقابله با نفوذ ایران در منطقه می‌باشد (www.aljazeera.com). پس از قشون کشی نیروهای آل سعود به بحرین برای جلوگیری از سرنگونی آل خلیفه و سرکوب شیعیان این کشور و هشدار ایران به مقامات سعودی برای

خارج کردن نیروهای خود از خاک بحرین تنش‌ها، با اظهارات تند مقامات عربستانی، بین ایران و عربستان بیشتر شد. در واقع تنش بین کشورهای عربی و ایران به عنوان یک نتیجه از بیداری اسلامی تشدید شده است. در حقیقت تنش‌های اخیر ناشی از متهم کردن ایران به حمایت از مخالفان شیعه در بحرین برای سرنگونی حکومت تحت سلطه اهل سنت این کشور و همچنین اعتراض ایران به دخالت نظامی عربستان در بحرین برای سرکوب متعرضان شیعه می‌باشد (Roberts, 2011:5)

در این راستا به گزارش فارس (خلیفه بن احمد آل خلیفه) در گفت‌وگو با خبرنگاران مصری انقلاب مردم کشورش را توطئه خواند و مدعی شد که ایران در بخشی از این توطئه حضور داشته است این ادعا در حالی مطرح می‌شود که در روزهای اخیر رسانه‌های ضد محور مقاومت در منطقه و کشورهای غربی با تاکتیکی روشن و مشخص در حال متهم کردن ایران و تخریب وجهه آن در نظر مردم منطقه هستند.

#### ۴.۲. مواضع دولت عربستان سعودی

عربستان با ترس از رسیدن دومینوی سقوط کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا در عربستان و بحران داخلی این کشور که به دنبال آزادی اقشار مختلف عرب از جمله شیعیان به وجود آمده، مقامات سعودی را آماده خشن‌ترین واکنش‌ها در برابر آنچه تهدید ایران می‌خوانند کرده است. ارائه اطلاعات غیر مستند درباره توانایی ایران در تولید سلاح هسته‌ای و تمایل ایران به استفاده از سلاح‌های غیرمتمعارف بر علیه همسایگان خود و اطلاعات غیر واقعی درباره دخالت ایران در ناآرامی‌های بحرین، اردن، یمن و عربستان و همچنین مسائل مرتبط به امور داخلی کویت حاکمان عربستان را در ترس از سقوط فرو برده است و این موجب شده است که بلافاصله به یک قرار داد تسلیحاتی ۶۰ میلیون دلاری با امریکا ترغیب شود.

امیر نایف ولیعهد جدید عربستان نیز بر عدم مذاکرات دیپلماتیک میان تهران و ریاض تاکید دارد نایف نه تنها سر سازش با ایران ندارد بلکه هر گونه رویکرد آشتی جویانه حتی با وجود تلاش‌های ایران در این راستا را رد می‌کند. در واقع طرح اتهام علیه ایران در مورد توطئه ترور سفیر عربستان در امریکا را می‌بایست با زنجیره گسترده‌ای از تحولات منطقه مرتبط دانست.

## ۵. پروژه ایران هراسی و شیعه هراسی

### ۵.۱. پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه

با وقوع جنگ آمریکا علیه حکومت عراق در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ و فرو پاشی رژیم حزب بعث به رهبری صدام حسین، شیعیان عراق توانستند قدرت اصلی را در معادلات امنیتی-سیاسی این کشور به دست گیرند. این رویداد، در کنار جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان و اسرائیل (۲۰۰۶م) که باعث تبدیل حزب الله به بازیگری مهم و تأثیر گذار در سطح منطقه گردید به گسترش دامنه نفوذ و تأثیرگذاری ایران در تحولات منطقه خاور میانه منجر گردید. این مسئله باعث شد نهادهای سیاسی-امنیتی محافظه کار اهل سنت منطقه نسبت به افزایش قدرت و نفوذ شیعیان، بویژه ایران، و پیدایش نوعی "هلال شیعی" مؤثر در منطقه اظهار نگرانی کنند. هلال شیعی اصطلاحی است با سابقه آکادمیک در ادبیات آلمانی، که نخستین بار در حوزه مباحث استراتژیک منطقه، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، در دسامبر ۲۰۰۴ در گفتگو با روزنامه واشنگتن پست هنگام دیدارش از آمریکا مطرح کرد. کاربرد این واژه هم زمان با به حکومت رسیدن شیعیان در عراق، تکمیل کننده هلالی از حوزه های نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را در بر می گرفت. این موضوع مؤید گسترش حوزه نفوذ شیعیان نه تنها در ایران و لبنان بلکه در کلیه کشورهایی است که در آنها جمعیت شیعه مذهب وجود دارد. علی رغم ایران هراسی گسترده که با مطرح شدن هلال شیعی در منطقه صورت می گیرد، با این حال اتحاد و همگرایی ایران با شیعیان منطقه بیش تر از آن که ایدئولوژیکی و به خاطر شیعی گری باشد به جهت واقعیات سیاسی، تلاش در جهت وحدت اسلامی، حمایت از مسلمانان و مقابله با حضور گسترده آمریکا در منطقه می باشد. در واقع هدف از طرح هلال شیعی تحریک کشورهای عرب علیه ایران است. پادشاه عربستان در مصاحبه با روزنامه کویتی السباسه از شیعه سازی اهل سنت توسط ایران ابراز نگرانی کرد (www.fetrat.com). فیصل الغایز رئیس مرکز مجلس نمایندگان اردن نیز در کویت مدعی شد هلال شیعی ایران در حال تبدیل شدن به ماه کامل است و خواستار اتخاذ مواضع واحد کشورهای عربی در قبال ایران شد. (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۰: ۲۴).

هدف اصلی از طرح هلال شیعی را می‌توان ایجاد تنش و درگیری و راه انداختن جنگ میان شیعیان و اهل تسنن دانست. ادعای شکل‌گیری هلال شیعی از سوی سران عرب با هدف تضعیف ایران و گسترش ایران هراسی همراه است. دولت‌های پادشاهی و سنی عربی خاورمیانه از ایجاد این کمربند یا هلال شیعی بسیار نگران‌اند. بسیاری اکنون در منطقه از آن بیم دارند که با تشکیل هلال شیعی توسط شیعیان ایرانی، لبنانی، عراقی و به طور کلی شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس عملاً عرصه برای حکومت‌های عمدتاً سنی مذهب تنگ‌تر شود و باعث بیداری و شورش شیعیان این کشورها که از اوضاع اقتصادی، سیاسی و رفتار تبعیض‌آمیز دولت‌های حاکمشان ناراضی‌اند، شود (بیات، ۱۳۸۹: ۷۶-۶۸).

به اعتقاد رهبران و نخبگان سیاسی کشورهای عرب پیروزی نسبی حزب الله علیه اسرائیل و شکستن تابوی تل‌آویو، در واقع کمربند طلایی خصب را با ژئوپولیتیک شیعی ایران و عراق پیوند داده و موازنه موجود را پس از ترتیبات امنیتی ۱۹۹۱ به هم ریخته است و نوعی موازنه برتر را به نفع ایران ایجاد نموده است. این امر از یک طرف موجب عدم اتخاذ راهبرد جدی اعراب علیه ایران شده و از طرف دیگر دست باز ایران در عراق و لبنان در واقع تلاش در جهت به چالش کشیدن جهان اهل سنت و امریکا تلقی می‌شود. در همین راستا روزنامه واشنگتن پست از دیدار محرمانه مقامات سعودی و نخست‌وزیر اسرائیل برای جلوگیری از نفوذ ایران، در امان پایتخت اردن به میزبانی عبدالله دوم پرده برداشت (ابراهیمی، ۱۳۸۰: ۲۸۰). بعد از پیروزی نسبی حزب الله در برابر اسرائیل، در شرق عربستان سعودی که عمدتاً شیعه نشین هستند و یا در کویت و بحرین تظاهرات و جشن‌هایی به مناسبت این پیروزی گرفته شد که می‌تواند بر انگیزاننده نوعی واگمه کشورهای عربی منطقه خلیج فارس از پیروزی حزب الله و تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه به نفع ایران باشد.

### ۵.۳. رشد محوری شیعه در عراق

با حمله نظامی ایالات متحده آمریکا در مارس ۲۰۰۳ عراق بعثی سرنگون شد و به اشغال نیروهای نظامی آمریکا در آمد. با اشغال عراق و رشد محور شیعی در عراق، ایران نیز نفوذ قابل توجهی در عراق پیدا کرد است. برای نمونه ایران در همه کنفرانس‌های منطقه‌ای مربوط به امنیت عراق از جمله در مصر، عربستان سعودی، اردن و استانبول مشارکت فعال داشت. این

حضور ایران باعث نگرانی‌هایی در جهان عرب شده است زیرا که نشان گر نفوذ قابل توجه ایران در مسائل جهان عرب است و همین امر موجب شده است تا کشورهای عربی رفتار ایران را مداخله جویانه تلقی کنند (برزگر، ۱۳۸۰: ۱۵۰). نگرانی طراحان و حامیان ایران هراسی و شیعه هراسی بیش از آنکه از عنصر مذهبی ناشی گردد از عنصر دموکراسی و نهادینه شدن آن در عراق و سرایت آن به دیگر کشورهای خاورمیانه ناشی می‌شود. اشغال عراق موجب شروع گفتگمانی نو در سامانه خلیج فارس شد و سرآغازی برای ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی بنیادین در برخی از کشورها، بویژه عربستان و بحرین است.

عربستان سعودی از روی کار آمدن شیعیان، آن هم از طریق مردم سالاری در عراق از دو جهت ناراضی است یکی الگوی مردم سالاری عربی در عراق می باشد که به عنوان تنها کشور عربی الگو انتخاب غربی در آن نهادینه شده است و دیگری روی کار آمدن اکثریت شیعی در عراق است که خود می‌تواند مسئله حاد امنیتی ای را برای منطقه شیعی نشین شرقی عربستان بوجود آورد که مدت‌هاست به دنبال افزایش حقوق سیاسی- اجتماعی خود هستند. امارات نیز از نخستین کشورهایی بود که خطر نفوذ ایران را در عراق مطرح و در جهت مقابله با آن به بازسازی روابط با عراق روی آورده است (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

حسنی مبارک در آوریل ۲۰۰۶ اعلام کرد که وفاداری شیعیان خاورمیانه به ایران بیش تر از وفاداری آنها به دولت‌هایشان است. این موضع مورد تایید کشورهای عربی خلیج فارس نیز قرار گرفت و از سوی آنها نیز تکرار شد. ورود نظامیان شیعی به ارتش عراق (نیروی صدر و سپاه بدر) و همچنین با روی کار آمدن حزب الدعوه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ که از مدافعان ایران هستند، خشم کشورهای عربی را برانگیخت چرا که آنها این امر را به معنای سر آغاز نفوذ ایران در منطقه عربی قلمداد می‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۷۰-۲۶۹).

به زعم برخی از نخبگان رسمی و علمی عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در صدد صدور افکار انقلابی در منطقه برآمد، از جنبش‌های سیاسی اسلام گرا حمایت و آنان را علیه کشورهای محافظه کار عرب تحریک می‌کرد و هم اکنون نیز در جهت اعمال و گسترش نفوذ و قدرت خود در عراق، یمن و بحرین با اکثریت شیعه

عمل می‌کند، رفتارهایی که باعث بروز سوء ظن، بی اعتمادی و اختلافات بسیاری بین اعراب و جمهوری اسلامی شده است (دهقانی، ۱۳۸۷: ۶۹). ریچارد هاس در مجله فارن افرز در مقاله‌ای با نام خاورمیانه جدید معتقد است با تغییر موازنه قدرت در خاور میانه و خلیج فارس، به وجود آمدن عنصر شیعی در عراق و همینطور پیروزی حزب الله در لبنان، افول قدرت آمریکا آغاز شده و این هراس کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و اقتدارگرایان سنی عرب را برانگیخته است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۷۲).

عربستان اعلام کرد که قدرت گرفتن شیعیان در عراق مرزهای شرقی این کشور را تهدید خواهد نمود. این موارد، نشان‌گر این مطلب است که کشورهای غیر دموکراتیک و اقتدارگرای عرب از فعال شدن جمعیت شیعه نشین خود در هراسند. حرکت‌هایی که بر علیه رهبران اقتدارگرای تونس، مصر، لیبی و آل خلیفه در بحرین متأثر از موج جدید بیداری اسلامی صورت گرفته است همگی نشان‌گر این مطلب است که انقلاب اسلامی ایران به عنوان منشاء پدیده بیداری اسلامی در حال تکرار در کشورهای عربی می‌باشد. از میان کشورهای عرب منطقه به نظر می‌رسد عربستان سعودی بیش از دیگران نگران اوضاع عراق است و خود را در رقابت جدی با ایران در این کشور می‌بیند در مجموع احساس خطر عربستان از توسعه نفوذ ایران در منطقه موجب شده است از یک سو هنوز به طور رسمی دولت شیعی در عراق را به رسمیت نشناسد و از سوی دیگر روابط عربستان با ایران تحت تاثیر این موضوع قرار گیرد (نادری نصب، ۱۳۸۶: ۳۲۸-۳۲۶).

### ۵.۳. حمایت ایران از جنبش مردمی فلسطین و ضدیت با اسرائیل

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی «ره» همواره بر ضرورت دفاع از مردم مظلوم فلسطین تأکید داشته و آن را یک تکلیف دینی دانسته است. در واقع حمایت‌های ایران از لبنان، فلسطین و جنبش حماس را می‌بایست در راستای عملیاتی کردن اصول و مبانی انقلاب اسلامی دانست. امری که برخی از کشورهای عربی آن را به اشتباه به دخالت‌های توسعه طلبانه ایران تعبیر می‌کنند. در این راستا عربستان تلاش دارد با دخالت در مسئله حل و فصل بحران فلسطین، ایران را به چالش بکشد و از قدرت و نفوذ آن بکاهد (نادری نصب، ۱۳۸۶: ۳۲۹).

هدف ایران استقرار یک جامعه اسلامی با محوریت امت اسلامی است و این با هدف عربستان که به دنبال حفظ وضع موجود است در تعارض می‌باشد به همین جهت دگرگونی‌هایی

چون قدرت‌گیری شیعیان در عراق و اقدامات حزب الله از نظر آنان با اهمیت است (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۸: ۱۴). به گفته گراهام فولر جنبش حزب الله در واقع تبدیل به نوعی مدل مقاوت در کشورهای دارای حاکمان سنی در منطقه شده و این جنبش به گروه‌هایی که در کشورهای عربی تحت فرایند یکسان سازی الگو قرار گرفته‌اند الگوی مقاومت صادر می‌کنند (احمد زاده، ۱۳۸۴: ۷). از آنجا که اقتدار حکومت شیعی و رعایت دموکراسی نسبی در عراق برای حکومت بسته و پادشاهی عربستان نامناسب است (جمیری، ۱۳۸۹: ۱۵۲) تلاش دارند قدرت و نفوذ ایران در عراق و لبنان و به طور کلی شیعیان خاورمیانه را از طریق تحریکات و حمایت از سنی‌های لبنان، عراق و فلسطین مهار و موازنه سازی کنند (لطیفیان، ۲۰۰۵: ۱۳۸۷). به دنبال حمله اسرائیل به حزب الله در تابستان ۲۰۰۶ و غزه در زمستان ۲۰۰۸ ایران با تمام توان به حمایت از حزب الله پرداخت و عربستان در این خصوص سکوت کرد و با سکوت خود اسرائیل را در این نبرد یاری کرد.

عربستان معتقد است که ایران با ورود به کشورهای عربی منطقه به دنبال کسب قدرت بیشتر است. البته این برداشت از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نادرست است چرا که ایران با حمایت از دولت شیعی در عراق و حزب الله لبنان به خوبی توانسته است جبهه مقاومت را استحکام بخشد و از این طریق عنصر اصلی راهبرد خود را که مهار قدرت آمریکا و اسرائیل است را عملیاتی سازد و به هیچ وجه در راستای به چالش کشیدن عربستان اتخاذ نگردیده است. حمایت ایران از حماس سنی مذهب از یک سو موجب کم رنگ شدن نقش مذهب در رابطه با گروه‌های فلسطینی و جمهوری اسلامی ایران شده و از سوی دیگر باعث نگرانی آشکار کشورهای عربی و به ویژه عربستان شده استدر مقابل آنها تلاش دارند با حمایت از گروه‌های سنی در عراق در مقابل ایران موازنه سازی کنند (جمیری، ۱۳۸۹: ۱۴۶-۱۴۴).

### نتیجه گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی بنا شده است. این اصول و مبانی، بعد از انقلاب اسلامی در تمامی دولت‌ها، راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی بین‌المللی قرار گرفته است. برداشت

تهاجمی اعراب منطقه از سیاست خارجی ایران در واقع ناشی از عدم شناخت درست از اصول و مبانی انقلاب اسلامی است. البته بخشی از این رفتار نیز تأثیر از القائاتی است که غرب و به ویژه آمریکایی‌ها در این مورد دارند. اقدامات ایران در منطقه توسعه طلبانه و ایدئولوژیک است و امنیت آنها را مورد تهدید قرار داده است. در واقع آنها افزایش قدرت ایران را تهدیدی بر علیه خود قلمداد می‌کنند. هر چند جمهوری اسلامی تلاش‌های زیادی برای اعتماد سازی در منطقه انجام داده است اما واقعیت رئالیستی سامانه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه و همین‌طور بد فهمی دولت‌های عربی منطقه از ماهیت سیاست خارجی ایران موجب شکل‌گیری و بوجود آمدن "معما یا معضله امنیت" در منطقه شده است آن هم به شکل کاملاً پیچیده‌ای، به گونه‌ای که امکان همکاری را بسیار کاهش داده است.

در واقع دولت‌های محافظه کار عربی هنوز در چارچوب سنتی موازنه قوا رفتار می‌کنند و به دنبال این هستند که، به نوعی در برابر ایران موازنه برقرار کنند. برای دستیابی به این منظور از رویکرد تهاجمی امریکا بر علیه ایران حمایت کرده و مواضع غیر دوستانه و معاندانه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده‌اند و با روش‌های مختلف سعی در تحدید قدرت ایران دارند. این در حالی است که ایران با بهره‌گیری از آرمان‌ها و اصول و مبانی انقلاب اسلامی، ضمن عدم مداخله در کشورها و احترام متقابل، مجدانه به دنبال نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، ظلم ستیزی، عدالت خواهی، استکبار ستیزی، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی بخش، حمایت از مسلمانان، ایجاد ثبات در منطقه و برقراری روابط دوستانه با کشورهای مسلمان به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است.

اما آنچه که رویکرد تهاجمی دولت‌های عربی منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران را شدیدتر نموده، پدیده بیداری اسلامی است. در واقع قرار گرفتن اصول و مبانی سیاست خارجی ایران در راستای حمایت از جنبش‌های رهایی بخش و حمایت از مظلومان از یک سو و روندها و روبه رشد مشکلات سیاسی و دولت‌های عربی خاورمیانه از سوی دیگر شرایط را به گونه‌ای رقم زده که دولت‌های غربی جمهوری اسلامی ایران را متهم بر حمایت از این جنبش‌ها نموده و موانع خصمانه‌تری در این زمینه اتخاذ نمایند. هر چند که تاکنون تلاش‌های فراوانی برای نشان دادن سیاست مداخله از سوی ج.ا.ا ارائه شده اما تأثیری نداشته است. بنابراین از نتایجی که از



این پژوهش می‌توان گرفت این است که، مماشات و ماهیت تدافعی سیاست خارجی ایران در قبال اعراب منطقه نه تنها نتیجه‌ای را در بر نداشته است بلکه رفته رفته موجب گستاخی فزاینده این کشورها در قبال ایران شده است و کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید چرخش و تحول جدی را در مناسبات و سیاست‌های خود نسبت به رویکرد تهاجمی اعراب منطقه داشته باشند.

می‌بایست موج جدید بیداری اسلامی که منبعث از آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌باشد را فرصتی مغتنم شمرد و از پتانسیل‌های موجود در این خیزش اسلامی استفاده نمود. در حقیقت از آنجا که جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی به دنبال تحقق بخشیدن به اصول و مبانی انقلاب اسلامی در سطح منطقه ای و بین‌المللی بوده است پس ضروری است از دولت‌های اقتدارگرا و ضد ایرانی دوری جوید و بیش از گذشته، برای تحقق بخشی به اصول انقلاب اسلامی ملت‌های مسلمان منطقه را مخاطب و مورد حمایت خود قرار دهد. عوامل مذهبی و هویتی می‌تواند به عنوان مهم‌ترین گزینه‌های همگرایی ملت‌های منطقه بویژه منطقه خلیج فارس مورد بهره‌برداری و توجه قرار گیرد. چرا که بیش از ۹۵ درصد مردم منطقه پیرو دین اسلام هستند و به موجب این هویت مشترک همگی از تأثیر پذیری یکسانی برخوردار هستند.

## منابع

۱. آقای، داود. احمدیان، حسن (۱۳۸۹) روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳.
۲. ابراهیمی، نبی الله (۱۳۸۴)، شورای همکاری خلیج فارس و برنامه هسته ای ایران، روزنامه شرق، شماره ۶۲۲.
۳. احمدزاده، داود. مظاهری، محمد مهدی (۱۳۸۸)، بررسی چالش های ساختاری در روابط مصر و ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهررضا، سال اول، شماره ۱.
۴. اکبری کریم آبادی، نورالدین (۱۳۹۰)، ایران و تحولات جدید منطقه؛ فرصت ها و چالش های پیش رو، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۵۰.
۵. برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، تهران، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۱.
۶. بیات، مصطفی (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک شیعه و توهم هلال شیعی، هلال شیعی از واقعیت تا عمل، ماهنامه زمانه، شماره ۹۲.
۷. جمیری، محمد (۱۳۸۹)، بررسی و تبیین نقش فرامنطقه ای ایالات متحده آمریکا در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی پس از ۱۱ سپتامبر، فصلنامه ره آورد سیاسی، شماره ۲۹.
۸. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۶)، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)، رویکرد اعراب به برنامه هسته ای ایران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم، شماره ۲.
۱۱. زکریا، فرید (۱۳۸۷)، آینده آزادی، تهران: نشر نی.

۱۲. سلیمی، حسین (۱۳۸۴) دولت مجازی یا واقع‌گرایی ته‌اجمی، مجله پژوهشی حقوق و سیاست، سال ۷، شماره ۱۷.
۱۳. صالحی، حمید (۱۳۹۰)، مناسبات راهبردی امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۱.
۱۴. عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۱)، بازتاب معنا‌گرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
۱۵. لطفیان، سعید (۱۳۸۷)، ایران و خاورمیانه، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳.
۱۶. متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی و گسترش روح دموکراتیک در خاورمیانه، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، شماره ۴.
۱۷. محمدی، منوچهر (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر.
۱۸. مستقیمی، بهرام، ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، روابط ایران با شورای همکاری خلیج فارس بعد از سال ۲۰۰۳، تهران، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۳.
۱۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.
۲۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۲۱. موسوی، سید روح‌الله (امام خمینی) (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۲۲. نادری‌نصب، پرویز (۱۳۸۹)، چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱.
23. Marty, Martin & R. Scott Appleby (1992), "The Glory and The power: Fundamentalist Challenge to the Modern World, Boston, Beacon Press.
24. Knickmeyer, Ellen (2010), Our Man in Sanaa, Foreign Policy.
25. Ginny Hill and Gerd Nonneman, Yemen (2011), Saudi Arabia and the Gulf States: Elite Politics, Street Protests and Regional Diplomacy, Middle East and North Africa Programmed| MENAP BP (2011/01).

26. Ali Akbar Dareieni (2011), "Iran Leader: West Cannot 'Confiscate' Arab Spring" Associated Press (August 31).
27. Rod Nordland and David D. Kirkpatrick (2011), "Islamists' Growing Sway Raises Questions for Libya," *New York Times* (September 14).
28. Roberts, David (2011), "Blame Iran: a Dangerous Response to the Bahraini Uprising," *The Guardian* (August 20).
29. Cronin, Stephanie and Masalha, Nur (2011) "The Islamic Republic of Iran and the GCC States: Revolution to Realpolitik?", in LSE Kuwait Programme Research Papers, No. (August 17).
30. Lynch, Marc (2011), "The What Cooperation Council?", in *Foreign Policy Marc Lynch Blog*, 11March see in: <http://lynch.foreignpolicy.com>
31. Rod Nordland and David D. Kirkpatrick, (2011) "Islamists' Growing Sway Raises Questions for Libya," *New York Times*, September 14.

منابع اینترنتی

1. <http://www.aljazeera.com>
2. <http://www.fetrat.com>